

مرگ جمهوری اسلامی از طریق مذاکرات هسته ای؟

منتشر شده در فارن پالیسی 21 مه 2014

نیروهای افراطی محافظه کار جمهوری اسلامی تهاجم شدیدی را تحت عنوان "دلوپسیم" نسبت به مذاکرات هسته ای علیه دولت روحانی به راه انداخته اند. این تهاجم تا آنجا پیش رفته که گفته اند تیم مذاکره کننده، "فاتحه نظام را خوانده اند". در این هیاهو، 4 تن از شخصیت های مهم محافظه کار به همفکران افراطی خود پاسخ گفتند.

سردار محمد باقر قالیباف- شهردار تهران- در 93/2/19 **گفت** که آیت الله خامنه ای بر مذاکرات: "نظارت دقیق و عمیق دارند و در حقیقت اداره کننده اصلی موضوع هستند. بدون شک ایشان خط قرمزهایی که باید رعایت شود را از هر کسی و در هر جایگاهی مطالبه خواهند کرد. باور ما بر این است که ایشان به هیچ کس اجازه نخواهند داد که عزت ملت ایران و نظام اسلامی را خدشه دار نموده و بر سر این مسایل با هیچ چیز، هیچ کس و هیچ دولتی معامله نمی کنند". بنابراین نباید تیم مذاکره کننده را تضعیف کرد.

سرلشکر محسن رضایی- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام- در 93/2/23 **گفت** : "نگران حقوق ملت ایران در مذاکرات هسته ای نیستیم، زیرا این مذاکرات زیر نظر رهبر معظم انقلاب دنبال می شود".

علی اکبر ولایتی- مشاور عالی آیت الله خامنه ای در امور بین الملل- در 93/2/23 ، ضمن نقد شیوه های تیم مذاکره کننده دوران احمدی نژاد **گفت** : "مذاکرات مبانی دارد که اصول آن توسط رهبر معظم انقلاب مشخص شده و دوستان مذاکره کننده باید در این چارچوب مذاکره کنند؛ چارچوب مذاکره مشخص است و تیم مذاکره کننده در داخل این چارچوب مذاکره می کنند و مادامی که مذاکره کنندگان در همین مسیر هستند نباید مذاکره کنندگان تضعیف شوند".

نیروهای افراطی مجلس پاسخ دادند که آیت الله خامنه ای نظارت کلی بر مذاکرات داشته و در جزئیات دخالت نمی کند. علاء الدین بروجردی- رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس- در 93/2/23 در پاسخ به این مدعا **گفت** : "من با اطمینان می گویم شورای عالی امنیت ملی محدوده تصمیم گیری ها را به صورت جزئی مشخص کرده است و خارج از آن هیچ تصمیمی نمی تواند اتخاذ شود".

مطابق اصل 176 قانون اساسی جمهوری اسلامی، "مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست". بدین ترتیب، محدوده کار تیم مذاکره کننده- با ذکر جزئیات- توسط شورای عالی امنیت ملی تعیین شده و به تصویب آیت الله خامنه ای رسیده است.

اما تعیین خطوط قرمز مذاکرات با جزئیات از سوی آیت الله خامنه ای، نافی نگرانی های شخص او و دیگران نیست. او ضمن حمایت از تیم مذاکره کننده گفته است که به نتیجه مذاکرات خوشبین نیست، چرا که دولت آمریکا با زیاده خواهی مذاکرات را به شکست خواهد کشاند.

توان موشکی ایران یکی از خطوط قرمز خامنه است. او در 93/2/21 [گفت](#) که "من همواره طرفدار ابتکار در سیاست خارجی و مذاکره بوده و هستم". اما آمریکا به دنبال وادار کردن ایران به عقب نشینی و به زانو درآوردن ایران است. سپس به موضوع طرح توان موشکی ایران در مذاکرات پرداخت و گفت: "آنها درحالی توقع محدود شدن برنامه موشکی ایران را دارند که دائماً در حال تهدید نظامی ایران هستند، بنابراین چنین توقعی، احمقانه و ابلهانه است".

توان موشکی ایران یکی از مهمترین موارد اختلافی خواهد بود. قطعنامه 1696 مصوب 31 جولای 2006 شورای امنیت سازمان ملل از همه دولتها خواسته است که مطابق قوانین داخلی خود و قوانین بین المللی از صدور و انتقال هر گونه مواد، قطعات و تکنولوژی که می تواند به برنامه های غنی سازی و موشکی ایران کمک کند، جلوگیری کنند. [قطعنامه 1929 شورای امنیت](#) هم ایران از پیگیری هر برنامه ای در ارتباط با موشک هایی که قادر به حمل سلاح هسته ای باشد منع کرده است.

آمریکا می گوید که مذاکرات این مورد را هم باید در بر گیرد. اما بروجرودی گفته است که "سامانه های موشکی خط قرمز ماست و تیم مذاکره کننده اجازه ندارند به این حوزه ورود پیدا کنند". تا حدی که من می فهمم، این نزاع قابل حل است. ایران مدعی است که به دنبال سلاح های هسته ای نبوده و حاضر به هرگونه شفاف سازی و گسترش نظارت های آژانس به حدی است که این مدعا را تأیید کند. اگر هدف طرف غربی صرفاً عدم دستیابی ایران به سلاح های هسته ای باشد، می توان به توافق نهایی دست یافت.

دولت های غربی به رهبری دولت آمریکا باید بدانند که حسن روحانی و تیم مذاکره کنند در داخل به شدت تحت فشار قرار دارند و ممکن است یک بار دیگر این فرصت تاریخی از دست برود. بروجرودی در پاسخ فردی که ادعا کرده تیم مذاکره کننده، "فاتحه نظام را خوانده اند"، گفته است: "مگر ممکن است مقام معظم رهبری برای فاتحه خوانی نظام، بفرمایند بروید جلو و مذاکره ادامه پیدا کند؟".

نیروهای افراطی محافظه کار مذاکرات هسته ای را به بهانه ای برای سرنگونی دولت حسن روحانی تبدیل کرده اند. آنان می گویند که همه چیز را دادیم و هیچ چیز به دست نیاوردیم. تمامی تحریم های فلج کننده همچنان برقرار است و حتی به شرط توافق نهایی ممکن است سال ادامه یابد. دولت سازشکار حسن روحانی با تمامی عقب نشینی هایی که انجام داد، هیچ به دست نیاورد و توافق نامه ذلت بار موقتی ممکن است به توافق نهایی خفت باری تبدیل شود.

محافظه کاران افراطی ضمن مخالفت با تحریم های اقتصادی و ظالمانه خواندن آنها، می گویند که هیچ گونه عقب نشینی برای لغو تحریم های اقتصادی قابل قبول نخواهد بود. برای این که، الف- تحریم ها به دلیل طرح هسته ای صلح آمیز ایران وضع نشده اند و با توافق هسته ای هم ممکن است سال های سال باقی بمانند. هدف تحریم گران سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما پروژه هسته ای دستاوردی ملی است که نباید تابع فشارهای اقتصادی شود. با "اقتصاد مقاومتی" می توان در برابر تحریم ها ایستاد. بنابراین، ب- [هیچ گونه توافقی بر سر کاهش تعداد سانتریفیوژها قابل قبول نخواهد بود](#). پ- [تغییر طراحی نیروگاه آب سنگین اراک خیانت به دستاوردهای ملی است](#). ت- [کاهش میزان غنی سازی اورانیوم از 20 درصد به 5 درصد ذلت بار است](#). ث- [تحقیقات و توسعه علمی هسته ای غیر قابل مذاکره اند](#). ج- فقط در دوره

احمدی نژاد بیش از 31 هزار میلیارد ریال در صنعت هسته ای سرمایه گذاری صورت گرفته و هفت هزار میلیارد ریال دارایی ایجاد شده است. با تعطیل شدن این صنعت، نه تنها ارزش افزوده ای ایجاد نخواهد شد، بلکه هزینه استهلاک برای بودجه کشور مبالغ کلانی خواهد بود.

روح الله حسینیان- نماینده افراطی مجلس که در سرکوب های دهه اول انقلاب نقش کلیدی داشته- در 93/2/3 گفته است که دولت روحانی را به طور "مبنایی" قبول نداریم، چرا که "مجموعه دولت از فتنه گران [مدافعان جنبش سبز] و اصلاح طلبان افراطی هستند". بنابراین، "فرصت دولت تمام شد" و ما در مقابل این دولت خواهیم ایستاد.

حسن روحانی به دنبال توافق نهایی هسته ای است و رابطه با آمریکا را هم محصول توافق هسته ای به شمار می آورد. اما نه تنها نیروهای افراطی ایرانی، که نیروهای افراطی داخل آمریکا، اسرائیل و برخی دیگر از کشورها مخالف چنین فرایندی بوده و از هیچ کوششی برای به شکست کشاندن مذاکرات دریغ نمی کنند.

حتی محسن رضایی در 93/2/26 گفته است که ایران به دنبال بمب اتمی نیست و برای اثبات آن "همه نوع تضمینی" داده و شفاف سازی را "کامل" خواهد کرد. اما اگر طرف غربی موجب شکست مذاکرات شود، ایران باید- مانند برزیل و آرژانتین- غنی سازی اورانیوم را به سطح 80 درصد برساند.

از سوی دیگر، حسین شریعتمداری- که 21 است که نماینده تام الاختیار آیت الله خامنه ای در روزنامه به شدت افراطی کیهان است- در سرمقاله 93/2/29 ضمن متهم کردن روحانی/ظریف به "وادادگی"، نوشت که توافق نامه موقت هسته ای "مجموعه ای از امتیازاتی بود که متأسفانه با گشادهدستی آمیخته به وادادگی به حریف داده بودیم و وعده های نسیه ای که با هزار شرط و شروط و اما و اگر فقط قول آن را داده بودند... [روحانی/ظریف] چاره ای جز اعتراف ضمنی به این واقعیت تلخ نداشتند که حریف کلاه گشادی سرشان گذاشته است". وی از شکست مذاکرات استقبال کرد و نوشت: "خوشبختانه بی نتیجه ماند".

کیهان در 92/2/31 نیز تحت عنوان "امتیازهای توافق ژنو همه نسیه بود" نوشت که در برابر 27 تعهد ایران، طرف غربی برای "توقف تلاش برای کاهش فروش نفت ایران" تعهد کرده بود، ولی با فشار آمریکا فروش نفت ایران در ماه های مارس و آوریل به شدت کاهش یافته است. از سوی دیگر، قرار بود 4 میلیارد 200 میلیون دلار از دارایی های ایران آزاد شود، ولی 2 میلیارد و 650 میلیون دلار آزاد شده و به دلیل تحریم های بانکی امکان انتقال آن به ایران وجود ندارد. یعنی پولی که نزد بانک مرکزی ژاپن بود، اینک در بانک های عمان و امارات بدون استفاده مانده است.

در همین روز سعید زیباکلام در مصاحبه با مهرنیوز محتوای نامه ای که حسن روحانی پس از توافق موقت هسته ای به آیت الله خامنه ای نوشته بود را "دروغ بزرگ" خواند و گفت ظریف هم به دروغ گفته است که برنامه هسته ای ایران حفظ شده است، اما "من فکر می کنم منظور ایشان فقط ظاهر ساختمان هاست که حفظ شده اند و او درست می گوید".

بدون تردید، در شرایط "شبه جنگی" و "شدیدترین تحریم های طول تاریخ"، فساد و رانت خواری و قدرت نظامیان به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرده است. افراطی گری ایدئولوژیک برخی گروه ها در واقع ترجمه منافع سیاسی و اقتصادی بزرگی که از تداوم این شرایط می برند.

مهمترین کمک دولت های غربی به دولت روحانی کاهش تحریم ها به گونه ای است که موجب بهبود وضعیت اقتصادی (کاهش تورم شدید، تبدیل نرخ رشد اقتصادی منفی به مثبت، کاهش بیکاری، و...) شود. دولت های غربی حتی در زمینه هواپیماهای مسافربری به وعده های خود عمل نکرده اند. به این مقایسه توجه کنید: جمعیت امارات متحده 9 میلیون، ایران 77 میلیون. تعداد هواپیماهای امارات 431 فروند، ایران 141 فروند. میانگین سن هواپیماهای امارات 5 سال، ایران 21 سال است.

حسن روحانی که از پشتیبانی اصلاح طلبان و نیروهای میانه رو برخوردار است، برای حفظ انسجام این جبهه و تقویت آن باید مذاکرات هسته ای را به توافق نهایی (اثبات صلح امیز بودن در برابر لغو کلیه تحریم ها) رسانده و مهمترین بهانه نیروهای افراطی که خود پدیدآورنده آن بودند- یعنی رکود تورمی و فقر و بیکاری- را به گونه ای به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و کاهش تورم تبدیل سازد. اما اصلاح طلبان و سبزه ها خواهان آزادی و دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی و اجتماعی اند. در فضای شبه جنگی و تحریم های فلج کننده، آزادی و دموکراسی اولویت اول دولت نخواهد بود. دموکراسی و حقوق بشر همبستگی بالایی با امنیت و اقتصاد در حال رشد دارد.

اگر نیروهای افراطی ایرانی و غیر ایرانی به هدف خود دست یابند و مذاکرات به توافق منجر نشود، منطقه گرفتار جنگ های بیشتر خواهد شد و امنیت منطقه ای و جهانی از وضعیت بی ثبات فعلی هم متزلزل تر خواهد شد. درس این 13 سال اخیر- در افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، لبنان، یمن، بحرین، و خصوصاً اسرائیل و فلسطین- موید آن است که حتی توافق های غیر ایده آل بهتر از ادامه وضعی است که در 13 سال گذشته حاکم بوده است. اما توافق نهایی هسته ای می تواند به همکاری ایران و غرب جهت حل مسائل خاورمیانه بینجامد.

عدم توافق به معنای افزایش تحریم ها و تشدید برنامه هسته ای ایران خواهد بود. در این صورت، اسرائیل دوباره از طریق تبلیغات فضا سازی خواهد کرد که ایران در حال ساختن بمب اتمی است و لذا چاره ای جز بمباران تأسیسات هسته ای ایران وجود ندارد. در این شرایط جدید، نیروهای جنگ طلب آمریکا نیز فشارهای عظیمی بر دولت اوباما برای حمله نظامی به ایران وارد خواهند کرد. بمباران تأسیسات هسته ای ایران، واکنش نظامی متقابل جمهوری اسلامی را به دنبال خواهد داشت و منطقه که اینک گرفتار فجایع افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن، مصر، بحرین، و... است، با فاجعه ای به مراتب بزرگتر و پیامدهای غیر قابل پیش بینی تری مواجه خواهد شد. شاید کل منطقه به آتش کشیده شود.